

اشاره

پراگماتیسم یا عمل‌گرایی از مهم‌ترین و با نفوذترین مکاتب فلسفی غربی در عصر جدید است که بر عرصه‌های زندگی مردم، به‌خصوص جامعه آمریکا تأثیرات فراوانی گذاشته است. عرصهٔ تعلیم و تربیت نیز، چون یکی از جنبه‌های زندگی بشر، از این تأثیر برکنار نبوده و شاید بتوان گفتن پراگماتیسم جان‌دیویی بیشترین تأثیر را بر تعلیم و تربیت جهان امروز داشته است. از آنجا که بررسی دیدگاه‌های این مکتب و دلالت‌های تربیتی آن یکی از وظایف متصدیان امر تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، لازم است دیدگاه پراگماتیسم دربارهٔ تاریخ و دلالت‌های آن برای آموزش این علم روشن شود. بنابراین، در این مقاله می‌کوشیم، ابتدا دیدی کلی از پراگماتیسم داشته باشیم و سپس دیدگاه آن را دربارهٔ تاریخ بررسی کنیم. در آخر نیز دلالت‌های تربیتی آن را برای آموزش درس تاریخ استخراج می‌کنیم. هرچند بر پراگماتیسم ایرادات بسیاری مطرح شده است اما با توجه به گستردگی کاربرد آن در تعلیم و تربیت جدید (غرب) شناخت و مقدماتی لازم است. از بهترین ایرادات منتقدان بر پراگماتیسم دیدگاه مادی آن است که موجب می‌شود به جای حقیقت به واقعیت توجه داشته باشد و همه چیز را نسبی تلقی کنند.

پراگماتیسم

پراگماتیسم مکتبی است که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در آمریکا ظهور یافت (باقری، ۱۳۷۶). اصطلاح پراگماتیسم از واژهٔ یونانی «پراگما» به معنی «عمل کردن» مشتق شده است. بنیانگذار این مکتب فلسفی، برای اولین بار «چارلز پیرس» این اصطلاح را به سلسله مباحث مکاتب فلسفی وارد کرد. به نظرا، ایده‌ها، معانی و عقاید، همگی قواعدی هستند برای عمل کردن ما. به‌طور خلاصه، اعتبار هر مفهوم ذهنی به ایجاد رفتار عملی بستگی دارد و آن رفتار، تنها مفهوم آن معنای ذهنی است. مفاهیم ذهنی از آن نظر با هم تمایز و تفاوت دارند که به تفاوت‌ها در رفتارهای عملی متفاوتی منجر می‌شوند. برای اینکه بتوانیم دربارهٔ افکار خودمان به وضوح صحبت کنیم و آن را روشن سازیم، لازم است به این موضوع توجه کنیم که آن فکر

محمد خضری اقدم

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفهٔ تعلیم و تربیت



نقد و نظر دربارهٔ پراگماتیسم و کاربردهای آن در آموزش تاریخ

وایده، چه نتایج عملی‌ای به بار می‌آورد (سجادی، ۱۳۸۰) به‌طور کلی، پراگماتیسم افکاری را دارای معنا می‌داند که در عمل سودمند باشند. از نمایندگان این مکتب می‌توان به پیرس، هربرت مید، ویلیام جیمز و جان دیویی اشاره کرد که هر یک در بسط و توسعه مکتب پراگماتیسم نقش قابل توجهی داشته‌اند. علاوه بر موارد بالا مبانی جهان‌بینی پراگماتیسم را می‌توان زیر عنوانی چون استقرا به عنوان شیوه نوین تفکر، محدودیت تجربه، ابزار گرایی، فردگرایی و روابط اجتماعی بیان کرد (اوزمن کراول، ۱۹۸۶) به‌طور خلاصه می‌توان گفت روش استقرا که قبلاً راجح‌یکن مطرح کرده بود، از مطالعات علوم طبیعی فراتر رفت و هربرت مید آن را به عرصه علوم اجتماعی، ویلیام جیمز به عرصه روان‌شناسی و دیویی به عرصه تعلیم و تربیت کشاند.

در مورد تجربه می‌توان گفت از دیدگاه پراگماتیسم، تجربه محور شناخت است. ما واقعیت را از طریق تجربه می‌شناسیم. تجربه محصول برخورد فرد با محیط است (شریعتمداری، ۱۳۸۱). ابزارگرایی هم یعنی اندیشه‌ای درست است که ما را در حل مشکلات یاری می‌رساند. فردگرایی و روابط اجتماعی را می‌توان رشد فرد و شکوفایی استعدادهای او ضمن مشارکت در فعالیت جمعی دانست. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان سیمای پراگماتیسم را با عناوینی چون تجربه‌گرایی، نسبی‌گرایی و موقعیت‌محوری نشان داد.

تاریخ از دیدگاه پراگماتیسم

تاریخ به عنوان یکی از جنبه‌های زندگی بشر، مورد توجه پراگماتیسم واقع شده است و می‌توان بر اساس مبانی پراگماتیسم آن را تحلیل و بررسی کرد. در دیدگاه پراگماتیسم تاریخ یکی از پدیده‌های زندگی بشری است که

شاید بتوان گفتن پراگماتیسم جان دیویی بیشترین تأثیر را بر تعلیم و تربیت جهان امروز داشته است

در گذشته رخ داده است و از آنجا که پراگماتیست‌ها معتقدند که واقعیت محصول تجربه و تجربه نیز حاصل رفتار آدمیان با محیط است، بنابراین تاریخ امری است که آدمیان ساخته و با توجه به اصل پیوستگی تجربیات آدمی، یعنی گذشته، امروز را می‌سازد و امروز است که به آینده شکل می‌دهد. تاریخ عامل شکل‌دهی زندگی امروز ماست که از عمل انسان ناشی می‌شود. (شریعتمداری، ۱۳۸۱). در این دیدگاه می‌توان به چند مورد اشاره کرد.

۱. انسان در شکل دادن به تاریخ

فعال است

تاریخ محصول تجربه بشری است و تجربه شامل برخورد متقابل فرد با محیط است. بنابراین انسان توانایی شکل دادن به تاریخ را دارد و این اوست که به‌طور فعالانه تاریخ را می‌سازد. بنابراین، انسان می‌تواند با ساختن زمان حال تاریخ نسل آینده را شکل دهد.

۲. تاریخ عامل شکل دادن زندگی

حال است

با توجه به اصل ادامه یا پیوستگی تجربیات، یعنی اینکه گذشته، حال و آینده، چون تجربیات بشری، به هم مرتبط هستند، گذشته بشری عامل شکل‌دهی زندگی امروز ماست. بنابراین وضعیت امروز در پرتو کارهای گذشته بررسی شود.

می‌توان سیمای پراگماتیسم را با

عناوینی چون تجربه‌گرایی، نسبی‌گرایی

و موقعیت‌محوری نشان داد

۳. تاریخ امری اقتضایی است

از آنجا که تاریخ حاصل تجربیات بشری است و تجربیات بشری چگونگی آن محصول در زمان و مکان است، پدیده‌های تاریخی اقتضایی هستند و به‌عنوان امری مطلق نگریده نمی‌شوند.

۴. تاریخ ابزار است نه هدف

تاریخ محصول شرایط زمانی و مکانی عصر خود و محصول رفتار انسان‌هاست. بنابراین، امری اقتضایی است و ویژگی‌های تاریخ بشری به همه دوران‌ها قابل تسری نیستند. بنابراین تاریخ چون ابزاری است برای شناخت زمان حال و استفاده از تجربیات گذشته برای بهتر ساختن امروز و شکل دادن به آینده‌ای بهتر (همان: ۱۳۸۱)

۵. برای تاریخ می‌توان از نگاه

انتقادی به آن سود برد

تاریخ از آنجا که وسیله‌ای برای بهتر ساختن و شناختن امروز جامعه بشری است، امری فراتر از واقعیت نیست و مطلق شمرده نشده است. از این‌رو لازم است با دید انتقادی به آن نگریم و نکات مثبت و منفی آن را در ارتباط با شرایط بررسی کرد و از رهنمودهای آن برای بهتر ساختن دنیای امروز و شکل‌دهی به آینده‌ای بهتر استفاده کرد.

دلالت‌های تربیتی در آموزش تاریخ با توجه به دیدگاه پراگماتیسم

۱. بسط دامنه فعالیت دانش‌آموز در

مطالعه درس تاریخ

از آنجا که درس تاریخ یکی از دروسی است که انسان را نسبت به خود و طبیعت آگاه می‌سازد و معنای خصوصی و محدود فعالیت‌های او را به معنای عمومی و دامنه‌داری تبدیل می‌کند، لازم است دانش‌آموز فعالانه در کلاس درس

تغییر نقش معلم از انتقال دهنده صرف اطلاعات تاریخی به عنوان راهنما

در اینجا دیگر معلم صرفاً به انتقال مفاهیم و مطالب تاریخی به دانش آموزان نمی پردازد، بلکه ضمن آشناسازی آنها با وقایع تاریخی، زمینه را برای بحث و بررسی انتقادی فراهم می کند. او محیطی شاد و صمیمانه را برای دانش آموزان تدارک می بیند تا آنها بتوانند به طور فردی و گروهی به بررسی انتقادی گذشته بپردازند و آن را با دنیای امروز مرتبط سازند (اودری و هگ، ۲۰۰۵)

باهم نگری

پراگماتیسم با توجه به دیدگاه خود درباره تاریخ، دلالت هایی را برای آموزش درس تاریخ فراهم می کند. که این دیدگاه برخاسته از جهان بینی و مبانی فلسفی آن است. چنین دیدگاهی درباره تاریخ، باعث تغییر اهداف و روش های معلم و تغییر نگرش دانش آموزان درباره درس تاریخ می شود. به طوری که دیگر تاریخ امری مربوط به گذشته نیست و با زندگی امروز مرتبط است و می توان از آن برای بهتر ساختن دنیایی بهتر استفاده کرد.

منابع

۱. باقری، خسرو و عطاران، محمد؛ فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی محراب قلم، ۱۳۷۶.
۲. سجادی، سیدمهدی؛ تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۳. علی، شریعتمداری؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱
4. Audrey, osier and Hugh starkey (2005). changing citizenship, Democracy and location in education. open university press and two penny plaza newyork 1012-2280 us.
5. Dewey, john (2001). Democracy and Education. A pean state electronic classics series publication, copy right the pennsylvania state.
6. Ozman, H:Craver, s. (1986). philosophical Foundation of Education. Chicago: the university of Chicago press.

معلم تاریخ باید وضعیت زندگی بشری را چون نتیجه عوامل تاریخی که محصول رفتار انسان هاست، به دانش آموز معرفی کند. او در این راستا می تواند از دانش آموزان بخواهد برخی از پدیده های امروزی زندگی بشری را در تاریخ و گذشته انسان ها بررسی کنند. علاوه بر این، معلم می تواند برای ارتباط دادن تاریخ به زندگی امروز، از زندگی ملموس بچه ها شروع کند. برای مثال، به جای بررسی تاریخ جهان، از تاریخ روستا، شهرو محل سکونت دانش آموز شروع کند (دیویی، ۲۰۰۱).

۳. پرورش تفکر انتقادی در درس تاریخ

تفکر انتقادی یکی از سطوح مطرح تفکر در مطالعه پدیده هاست که در آن، ضمن بررسی نقاط مثبت پدیده ها، نقاط ضعف و کاستی ها بررسی می شوند. حال به این دلیل که تاریخ به گذشته و شرایط زمانی و مکانی آن دوران تعلق داشته است در حال، قابل تکرار نیست، بنابراین امری مطلق نیست و معلم باید دانش آموزان را به تفکر انتقادی وادارد تا آن را امری ثابت و بدون چون و چرا نپندارند.

بررسی مشکلات جامعه و روشن سازی آن در پرتو تاریخ با همکاری دانش آموزان و معلم

در این منظر، معلم از دانش آموزان می خواهد یکی از مشکلات جامعه را در کلاس درس مطرح و آن را در پرتو تاریخ و گذشته مرتبط با آن بررسی کنند. در این روش، دانش آموزان می توانند ریشه های تاریخی مسائل و مشکلات را در گذشته بیابند و ضمن بررسی انتقادی آن، عوامل پدیدآورنده مشکل را شناسایی و کشف کنند.

تاریخ شرکت کند و با مطرح ساختن سؤالات و انتقاداتش، پدیده های تاریخی را بررسی کند و آن را امری وابسته به زندگی بشر بداند.

۲. مربوط ساختن درس تاریخ به عرصه زندگی امروزی

معلم باید تاریخ را در ارتباط با زندگی بشری تدریس کند. از آنجا که تاریخ عامل شکل دهی زندگی امروز انسان هاست،

از آنجا که تاریخ عامل شکل دهی زندگی

امروز انسان هاست، معلم تاریخ باید وضعیت

زندگی بشری را چون نتیجه عوامل تاریخی

که محصول رفتار انسان هاست، به دانش آموز

معرفی کند



جامعه و تعلیم و تربیت

دکتر علی شریعتمداری